

امپریالیسم آمریکا میکوشد ...

پتیه از صفحه ۱

توطئه گران قبل از هر چیز یکلی امپریالیسم آمریکا مبارزه با این شیطان بزرگ - دشمن اصلی مردم ایران را، که شماره نهادهاند و مبارزه را به آماجهای انحرافی، متوجه ساخته‌اند. خطل موهوم توده‌ای‌ها و «خطر شوروی» که از جانب دستکاهای تبلیغاتی امپریالیستی مطرح شده‌اند، در این حوادث بجای خطر واقعی و جدی امپریالیسم آمریکا، تنسسته. سازمان‌دهندگان توطئه‌های اخیر همچنین نهایت تلاش خود را به خرج دادند تا صحنه کشور را به رویارویی نیروهای انقلابی و مسئولان علیه یکدیگر سازند و یکپارچه کنند و بویژه با پنهان شدن در پشت سر رئیس جمهور و بیبانه حمایت از او، نهادهای انقلابی را، که عمده‌ترین نیرو-های حافظ انقلاب هستند، به باد حملات بگردند. توطئه گران در این کار از «مجاهدین خلق» نیز، که بدام آنها افتاده و یکلیسی امپریالیسم آمریکا را به فراموشی سپرده‌اند، بهره گرفتند.

مجریان توطئه هفتم آمریکا چه کسانی هستند؟

فرکیبیروهای که توطئه‌های اخیر را پدید آورده‌اند و بدان دامن میزنند، عبارتند از: ضد-انقلاب سازمان یافته، عوامل ساواک، که یافزاری هستند و یا رها از کنترل و مجازات، در میان مردم پنهان شده‌اند، لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی، کلان-سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، متاسفانه برخی از نیروها و عناصر فریب‌خورده‌ای که جای واقعی آنها در این جبهه نیستند مانند «مجاهدین خلق» نیز، عملا در دام جبهه براندازی افتاده‌اند و با کمال تاسف و تعجب نگرانی، رئیس جمهور نیز هنوز توانسته است خود را از این جبهه جدا کند.

تمامی عناصر اصلی این جبهه متحد براندازی، در دو سال گذشته و در آزمونهای متعدد دشمنی کین‌توزانه و سازش‌طلبانه خود را با انقلاب، تمیق آن و دستاوردهای آن، آشکار ساخته‌اند:

از ضدانقلاب سازمان یافته و ساواکیها، که با نفوذ مخرب در همه ارگانهای جمهوری اسلامی نیز در شکل گروههای متشکل و مخفی و مسلح در دو سال اخیر آمادگی خود را برای اجرای هر توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا نشان داده‌اند گرفته، تا لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی، که تمام نیروی خود را برای منحرف کردن شعار اصلی انقلاب ایران علیه شیطان بزرگ یکسار انداخته‌اند، به تفرقه افکنی دامن زدند و با حادثه آفرینی‌های متعدد، درگیری و تشنج را پدید آورده و آنرا پیوسته شدت بخشیدند. از کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان که از یک طرف توطئه گران را از نظر مالی تامین و تقویت و پشتیبانی کرده و از طرف دیگر علیه خواستهای بحق مردم زحمتکش و بویژه در جهت و تخیم کردن وضع معیشتی آنها، توطئه کرده و برای ایجاد بحران اقتصادی کوشیده‌اند، همه و همه، متحد در عمل، به تحقق توطئه هفتم آمریکا یاری میرسانند.

چه باید کرد؟

گرچه جبهه براندازی دامنش وسیع و خطرناکی به توطئه‌های

دولت انگلستان ...

پتیه از صفحه ۱

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، اینک بظاهریه بیانه حفظ منافع حیاتی، خود در قبال خطر کمونیسم و در واقع برای پیشبرد مقاصد تجاوزکارانه و تاراج‌گرانه خویش علیه جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه، بویژه علیه خلق‌ها و انقلابیهای ایران، افغانستان و فلسطین، عظیم‌ترین سپاه مسلح خود را از دوران جنگ دوم جهانی تاکنون، در منطقه خلیج فارس متمرکز ساخته است. از سوی دیگر، بیدرتک پس از آغاز تجاوز داردمسته صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، گارتز از متحدان اروپای غربی خود و ژان خواست، که برای «تائین عبور آزاد از تنگه هرمز» به تشکیل «تارگانی مشترک» بپردازند.

چندملیتی غرب در خلیج فارس، دنباله منطقی اقدامات استیغز جویانه دولت این کشور علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. یادآور می‌شویم که:

دولت مارگارت تاچر از نخستین کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا» و «ناٹو» بود، که چه در گردهم آیی‌های این دو اتحادیه امپریالیستی و چه در سازمان ملل متحد، از صیسیه براندازانه تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی فعال کرد.

تجاوز نظامی نافرجام طیس» را مورد تائید قرار داد و از شکست آن ابراز تاسف کرد.

پس از تجاوز داردمسته صدام حسین به ایران، پناه به توصییه دولت آمریکا و پابهای آلمان

غربی و فرانسه، حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس گسترش داد.

به تبتت از دولت آمریکا و برپایه نمونه «سپاه واگتس سرع» بتاکون، بتشکیل یک «ناوگروه جنگی عملیات سرع» پرداخت. هدف این تارگرمه نیز «تاقمین عبور کشتی‌های بریتانیا از آبراه های خلیج فارس» توصیف شده است.

دیدار ریگان - تاچسر بحق نگرانی و آزار خالقهای کشورهای منطقه خلیج فارس را برانگیخته است. رسانه‌های گروهی این کشورهای، از جمله برخی از سپاه چندملیتی غرب، رادر خلیج فارس، بمتابه تهدیدی جدی علیه استقلال و امنیت کشورهای منطقه و آزارتی حضور نظامی امپریالیسم جهانی، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و بیاری فعال دولتهای امپریالیستی اروپای غربی، ارزیابی کرده‌اند.

این گام تشن‌فرایانه و ضربیه هنگامی برداشته میشود، که دولت اتحاد شوروی، باردیگر، از زبان ثنویت پرژده، در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، «پیشنهادهای دهل» خود را دربار اقدامات مشخص در جهت تشن‌زدایی قوری و موثر تکرار کرد و تعمیم داد.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نه تنها وظیفه دارد که ادامه شرکت دولت بریتانیا را در صیسیه‌های جنگ آفرورزان و تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا محکوم سازد، بلکه شایسته است که در کوشش‌های بین‌المللی برای تبدیل منطقه خلیج فارس به منطقه صلح شرکت فعال داشته باشد.

آقای مهندس بازرگان ...

پتیه از صفحه ۱

که به حزب توده ایران زده، یک واقعیت را هم دربار حزب توده ایران بیان کرده است:

«امروز هم اولین گروه که بر علیه دولت موقت مخالفت نمود و افتخاری کرد، حزب توده، نمایان خلق و چیرها بودند. (همانجا) آری، آقای مهندس بازرگان در اینجا درست گفته است: حزب توده ایران با سیاست دولت موقت مخالف بوده و هست. ولی این مخالفت جنبه شخصی ندارد و بر اساس پیشداوری نیست. این مخالفت بدلیل این است که دولت موقت لیبرال، هسو با منافع امپریالیسم آمریکا، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان حرکت می‌کرد و بیخواست ایران را باردیگر به عراده امپریالیسم بیند، سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را حفظ کند، در یک کلمه انقلاب را منع کند و چاده صاف کن ضدانقلاب برای نابودی انقلاب باشد - یعنی سیاستی که هنوز هم لیبرالها آنرا ادامه میدهند. حزب توده ایران با هر نیروی که این سیاست را داشته باشد، مخالف بوده و هست و خواهد بود. بنابراین، این سیاست فزیر کانه آقای مهندس بازرگان، که ابتدا حزب توده ایران را حامل سقوطه دکتر مصدق می‌شمارد و بعد به بلافاصله آنرا به امروز وصل می‌کند، تا دولت موقت را ترسه کند و حزب توده ایران را بجای آمریکا زیر غرنه بگیرد، مثل آب در هاون کوبیدن بر نفس است. آخر عین سخنان ایشان را همین چند هفته پیش، از هفت تیر کش جدید کاخ سفید همه شنیدیم.»

سخن را خلاصه کنیم. آقای مهندس بازرگان! شما با این اقراها نمی‌توانید آبرفته را به جوی برگردانید. نمیتوانید سیاست سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه دولت موقت را ترسه کنید. نمیتوانید سیاست لیبرالها را که چاده صاف کن ضدانقلاب، توجیه کنید. لذا بهتر است بجای اقترازی به حزب توده ایران، پروتکل مذاکره با بزرگسالی را منتشر کنید، تا مردم خود به قضاوت بنشینند.

خویش داده است و متاسفانه به علت آنکه مقامی مانند ریاست جمهوری توانسته است هنوز خود را از این جبهه جدا کند و تیررهای چون «مجاهدین خلق» هنوز به اشتباه عظیم خود پسی نبرده‌اند، وضع فوق‌العاده متفرق شده است؛ ولی مقابله با این توطئه خطرناک و خزنده، که کشور را به سوی جنگ پرادرکشی داخلی، پیش می‌برد، هنوز میسر و ممکن است و اگر با هتیاری و طامیت و سرعت با آن برخورد شود، قایل سهار و دفع است.

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

دولت انگلستان ...

غارت مسافرن، که به‌خارج از شیراز می‌روند و یا از شهرهای دیگر به شیراز می‌آیند، میزنند نمونه‌های آن: حمله عمدهای مسلح و نقابدار (۱۴/۱/۵۹)، سحرگاهان به آتویومی که از ماهش به شیراز می‌آمد. در این حمله راهزنان پس از پیاده کردن مسافران و غارت پول و محتویات جیب آنها و زخمی کردن یک جوان و راننده آتویومی، گریختند. در جریان این حمله، یک پاسدار نیز بشدت مصروب شد. درست پیش از این حادثه، راهزنان درصدد برآمدند دو کامیون را غارت کنند.

واقعه ۱۵ یمن نیز، که هنگام بازگشت رئیس اداره تعاون روستا با اتفاق چند تن از پاسداران از فیروزآباد رخ داد و چندتن از جمله یک پاسدار و رئیس اداره توسط مهاجمین زخمی شدند، از جمله حوادثی است که توسط راهزنان و ضدانقلابیون مسلح برای ایجاد ناامنی و تشنج در استان صورت میگردد.

همه این حوادث نشان میدهد که مقامات مسئول برای ایجاد امنیت و مبارزه با ضدانقلاب سازمان یافته در استان فارس، باید به اقدامات جدی بپردازند.

نیروهای ضدانقلاب زیر پوشش‌های گوناگونی عمل می‌کنند. برای ضدانقلاب سازمان یافته، برآمدن انتصاب در کارخانه‌ها، ایجاد بلوا در سطح شهر، ایجاد ناامنی در جاده‌های میان شهرها، شایعه‌پراکنی‌های گوناگونی که امروز در سطح شهرهای استان رایج شده، اختلاف بین مقامات مسئول استان، تجمع قزولهای استان و هزاران ترغندیکر، اهرم‌های مبارزه با انقلاب است. این پایگاه اهریمنی امپریالیسم، بسرکردگی امریکائی چناتکار، در تدارک مقدمات سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و شکست انقلاب است. باید برای خنثی کردن اعمال آنها بطور جدی و بیکیک مبارزه کرد.

درفارس ضدانقلاب ...

پتیه از صفحه ۱

واحدهای تولیدی و خدماتی، کسارگران و کارکنان را به بیبانه تامین خواسته‌های صنفی، رو در روی مسئولین دولتی و مراجع ذیصلاح قرار دهند.

در شهر شیراز کوششهایی بعمل می‌آید تا قزولها و خانهای مطرود استان متشکل شوند و با تشکیل باندهایی از قبیل جلسه کشاورزان استان فارس، صیسیاتی اتخاذ کنند و دهقانان بزمین و کزمین را زیر فشار قرار دهند و زمین‌هایی که توسط روستائیان زحمتکش کشت شده بزرگ از آنها بازپس بگیرند. نمونه این تشبثات زمین‌داران بزرگ و خانهای منطقه، وضع نهایت تشنج و خطرناکی بود که نزدیک بود در روستاهای داراب بوجود آید. دهقانان، که بدفاع از حقوق خود ایستاده بودند یا تهدیدت های بزرگ مالکان منطقه روبرو شدند، ولی با یاددینی نهادهای انقلابی داراب و مقامات مسئول آن شهر تشنج بطور موقت، فروکش کرد. در شهر شیراز، این اواخر، در مدارس نیز تشنج بیایی صورت میگردد و با درگیریهای روزانه، ضدانقلاب تمام کوشش خود را بکار میرد که محیط شهر را به آشوب بکشاند.

شهر شیراز، که محل اسکان گروه کثیری از هوطنان جنگزده خوزستانی است و مقامات مسئول تلاش خود را برای حل مسائل آنها بکار می‌برند، این روزها، بر کار از زدگیریهای ضدانقلاب نیست، که میکوشد مسئله آوارگان جنگزده را دستاویزی قرار دهد. گروهکهای چپ‌نسا و مائوئیست‌های آمریکائی یا پهنی اعلامیه‌های متعدد در سطح شهر، بویژه در بین جنگزده‌گان، به تحریک و تشنج مسئولان بد بانداهای مسلح در خود شهر شیراز نیز لانه کرده‌اند و هر از گاهی دست به راه پندار و

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین
و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!**

چند پرسش و پاسخ درباره السالوادور

«جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» از چه نیروهایی تشکیل میشود؟

در اوایل سال‌های ۷۰ جنبش پارتیزانی وسیعی در السالوادور پدید آمد. در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) سازمان «نیروهای مسلح آزادی خلق فارابوندو مارتی» بنیان گذاشته شد، که بویژه بر بیروتاریهای روستایی تکیه داشت. ارتش انقلابی خلق در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) تأسیس یافت. این «ارتش» بخصوص با نظامیان و نیروهای مسلح مبارزه می‌کرد. «نیروهای مسلح مقاومت ملی» در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) بنیانگذاری شد و عملیات آن بیشتر متوجه شعبه‌های کسرن‌های چند ملیتی بود.

گروه‌های نامبرده مدت‌ها هر یک برای خود می‌جنگیدند و تماسی با یکدیگر نداشتند.

در زمستان سال ۱۳۵۸، «نیرو-های مقاومت ملی» «نیروهای مسلح آزادی بخش» یعنی بازوی مسلح حزب کمونیست السالوادور، و «کمیته هماهنگی انقلابی» نخستین جبهه سازمان‌های مقاومت مسلحانه را پدید آوردند. این سازمان در اول خرداد ۱۳۵۹ (۲۲ مه ۱۹۸۰) ستاد مشترک فرماندهی را زیر عنوان «رهبری مشترک انقلاب» (درو) پایه گذاشتند. در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ (۱۱ اکتبر ۱۹۸۰)، با وحدت سازمانی چهار گردان مسلح مقاومت خلق، «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پدیدار شد.

پیش از دو ماه پیش، یک گروه پنجم نیز، بنام «حزب انقلابی زحمتکش آمریکای لاتین» به «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پیوست.

سیاسی پایه‌گذاری شده. چهار سازمان نامبرده در ۲۲ دی ۱۳۵۸ (۱۲ ژانویه ۱۹۸۰)، «کمیته انقلابی هماهنگی تودما» را تشکیل دادند، که در ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ (۱۸ آوریل ۱۹۸۰) با سازمان بورژوازی - رفرومیستی «جبهه دمکراتیک متحدشد» و «جبهه دمکراتیک انقلابی» نام یافت.

هدفهای «جبهه دمکراتیک انقلابی» چیست؟

- ۱- استقلال ملی
- ۲- اصلاحات اجتماعی - اقتصادی بنیادی
- ۳- عدم تعهد
- ۴- شرکت زحمتکش در روند نوسازی دمکراتیک
- ۵- تأسیس نیروهای مسلح جدید
- ۶- پشتیبانی از کارفرمایان ملی
- ۷- آزادی دین

نقش حزب کمونیست السالوادور چیست؟

حزب کمونیست السالوادور پنجاه سال پیش (در سال ۱۹۳۰) پایه‌گذاری شد. این حزب در سراسر حیات خویش «غیرقانونی» باقی مانده است. حزب کمونیست السالوادور نقش بس ارزنده‌ای در پیدایش جبهه متحد خلق داشته است. «حزب» با حفظ مواضع اصولی خود همواره اتحاد همه نیروهای خلقی و دمکراتیک را مد نظر داشته و در راه پیشبرد آن زحمتهای فراوان کرده است. حزب کمونیست السالوادور توانسته است همه اشکال مبارزه را به بهترین گونه‌های با یکدیگر تلفیق بخشد. این حزب، از یکسو، از طریق «اتحادیه ملی - دمکراتیک» پایه «قانونی» برای کار وسیع توده‌های پدیدآورده، از سوی دیگر، از راه «نیروهای مسلح آزادی بخش»، به «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو - مارتی» پیوست.



مرکز رادیوی «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی»

«جبهه دمکراتیک انقلابی» چگونه تشکیل شد؟

حزب کمونیست السالوادور، در ۲۲ دی ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹)، پایه‌های نیرو-های مقاومت مسلحانه، سازمان‌های نوادهای دمکراتیک و انقلابی در السالوادور وجود داشت. مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: «اتحادیه ملی - دمکراتیک» رهبر رهبری حزب کمونیست السالوادور، «بلوک انقلابی خلق»، که پنج سال پیش (۱۹۷۵) بر پایه اتحاد سازمان‌های سدیگایی، دهقانی و دانشجویی پدید آمد، «جبهه مبارزه متحد خلق» که شش سال پیش (۱۹۷۴) شکل شد و بویژه در میان کارگران صحنی نمود داشت، و «جامعه خلقی ۲۸ فوریه» که سه سال پیش (۱۹۷۷) پس از اتحاد سازمان‌های سدیگی و



آگوستین فارابوندو مارتی

ماربو آگنادا (حزب کمونیست السالوادور) و آنا گوادالوپه مارتینز (ارتش انقلابی خلق) - از دیگر وظائف «کمسیون سیاسی - دیپلماتیک» می‌توان کوشش دیپلماتیک برای جلوگیری از دخالت مسلحانه از خارج را نام برد.

در رهبری ارتش چه می‌کنند؟

ارتش، به عنوان ابزار حاکمیت الیکارشی، از امتیازات فوق العاده بهره‌مند می‌شود. «کانون افسران ارتش» وظیفه تأمین این حاکمیت و امتیازات را عهده‌دار است. در رهبری ارتش، مدت‌ها میان جناح راستگرایان شبه فاشیست و جناح اصلاح طلبان رقابت شدید وجود داشت. در دولت دوآرته، سرهنگ گوتیروزگارسیا (وزیر دفاع) نخبندگان جناح نخستین بودند. رهبر جناح اصلاح طلبان سرهنگ ماخانو، رئیس «نظامیان جوان» بود، که در سرنگونی ژنرال دیکتاتور رومرو، نقش مهمی داشت. وی برای آنکه سرهنگ گوتیروزگارسیا از پشتیبانی از رومرو باز دارد، وی را در کابینه خود شرکت داد. اما در حدود سه ماه پیش «بازها» از ماخانو سلب قدرت کردند و بدین ترتیب از قدرت جناح او پس گاستند.

«فارابوندو مارتی» که بود؟

آگوستین فارابوندو مارتی، ۸۷ سال پیش (۱۸۹۳) در توتومپک دیده به جهان گشود. وی، پس از پایان دبستان و دبیرستان، در «دانشگاه ملی» به تحصیل پرداخت. فارابوندو - مارتی بخاطر فعالیت‌های سیاسی مورد پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) به دستور رئیس جمهور و به اتهام «شورش از کشور تبعید شد».

وی آنگاه به عنوان گروهی در ارتش مکزیک به خدمت پرداخت و در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) به السالوادور بازگشت و به تأسیس سندیکاهای انقلابی دست زد. مارتی یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست السالوادور در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) بود.

فارابوندو مارتی مہین دوستی عمیقاً انترناسیونالیست بود. او زیر فرمان ژنرال توگوستو سزار ساندرینو، قهرمان حماسه‌آفرین نیکاراگوئه، در سپه‌ما انقلابی خلق نیکاراگوئه (تاسیس ۱۳۰۶ = ۱۹۲۷) علیه مداخله ایالات متحده آمریکا جنگید. ساندرینو، مارتی را بخاطر دلوری‌هایش به درجه سرهنگی ممتخر ساخت.

در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲)، در آستانه‌ی سرخیز دهقانان در السالوادور، فارابوندو مارتی به مہین خود بازگشت و به صفوف آنان پیوست. نظامیان السالوادور درست پیش از آغاز قیام مارتی و برخی دیگر از هم‌زمان او را ربودند و در تاریخ ۱۲ بهمن (۱ فوریه ۱۹۳۲) در گورستان مرکزی سان - سالوادور تیرباران کردند.

برخی دانستنیها درباره السالوادور

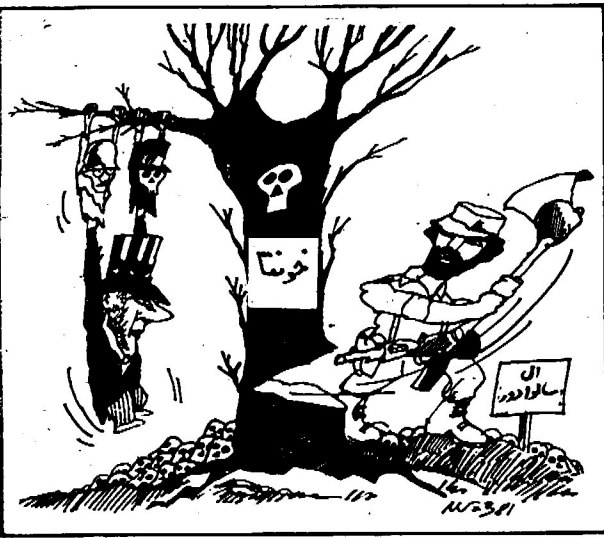
نام رسمی: «جمهوری السالوادور» (جمهوری السالوادور). تاریخ استقلال: ۲۴ شهریور ۱۳۰۰ (برابر با ۱۵ سپتامبر ۱۸۲۱). این کشور پیش از آن مستعمره اسپانیا بود.

مساحت: ۲۱۰۴۱ کیلومتر مربع
جمعیت: ۴/۷ میلیون نفر (۱۳۵۹). ۴۲/۶ درصد سکه در شهرها زندگی می‌کند.

پایتخت: سان - سالوادور (۸۰۰ هزار نفر). دیگر شهرهای عمده، سانتا آنا (۱۸۰ هزار نفر)، سان مینگل (۱۰۸ هزار - نفر)، مخیگانوس (۵۵ هزار نفر).

زبان: اسپانیولی
برخی شاخص‌های اجتماعی، بیسوادی: ۴۳ درصد
شماره افراد به نسبت یک پزشک: ۳۵۹۲
انتظار عمر: ۵۶ سال
شماره ماشین سواری برای هر هزار شهروند: ۱۱
شماره تلویزیون برای هر هزار شهروند: ۳۳

وضع اقتصادی - اجتماعی: کشور کشاورزی - صنعتی سرمایه‌داری و عقب افتاده
تنها محصولات عمده: قهوه و پنبه
شماره زحمتکشان: ۱/۲۸۷ میلیون نفر
کشاورزی: ۴۷/۲ درصد در کشاورزی: ۱۰ درصد در صنایع تبدیلی (فراورد مواد و خدمات اجتماعی سرانه: ۶۰۰ دلار تقسیم زمین: ۱/۵ درصد اهالی ۴۹/۴ درصد اراضی کشاورزی را در اختیار دارند.
مهم‌ترین فراورده‌های صادراتی: قهوه (۵۲ درصد صادرات)، پنبه (۱۱/۹ درصد صادرات)، فراورده‌های صنایع تبدیلی (۱۱ درصد صادرات).



«خوزه ناپلئون دوآرته» کیست؟

دوآرته در سال‌های نخست «حزب دمکرات مسیحی» را بنیان نهاد. وی هشت سال پیش (۱۹۷۲) با برنامه اصلاحات اجتماعی خود در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. اما نظامیان او را مجبور کردند که کشور را ترک کند. دوآرته پس از کودتای پاشیز ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹) از تبعید و زوروشلا به مہین بازگشت. هنگامی که اعضای غیرنظامی «خونتا» (از جمله اونگوس، صدر کمونیستی «جبهه دمکراتیک انقلابی» و سلف مقتول او، آلوارس کوردوبا) استعفا کردند، او و اعضای حزب او به کمک «خونتا» شتافتند و به موزون ارتجاع افزودند. پسر، از استعفا دادا هیرسی از «خونتا» در رهبری حزب دمکرات مسیحی انشباع شد و اکثریت اعضای حزب به «جبهه دمکراتیک انقلابی» پیوستند. دوآرته ۵۴ ساله در «خونتا» ماند و مقام «ریاست جمهوری» را از نظامیان «یاداش» گرفت. دوآرته اکنون پیش از غروییکی در دست نظامیان نیست.

«دکتر گیلرو مانوئل اونگو» کیست؟

پس از آنکه هم‌همبران «جبهه دمکراتیک انقلابی»، از جمله تریکه - آلوارس کوردوبا، صدر «جبهه» در روز

۲۶ آذر ۱۳۵۹ (۲۷ نوامبر ۱۹۸۰) از سوی راستگرایان افراطی بقتل رسیدند، گیلرو مانوئل اونگو در ۱۳ دی ۱۳۵۹ (۳ ژانویه ۱۹۸۱) به ریاست «جبهه دمکراتیک انقلابی» برگزیده شد. دکتر اونگو دبیرکل «جنبش ملی - انقلابی» است که حزبی سوسیال دمکرات، ولی در مقایسه با احزاب مشابه در اروپای غربی بسیار مترقی است. وی تحصیلات خود را در «اونیورسیداد سنترو آمریکا» به پایان رسانید. این دانشگاه اکنون در سان سالوادور بمیکی از کانون‌های عمده جنبش مقاومت تبدیل شده است. دکتر اونگوس از کودتای نظامی علیه ژنرال دیکتاتور رومرو به اتفاق آلوارز کوردوبا، در «خونتا» عضویت داشت، اما در زمستان سال پیش (ژانویه ۱۹۸۰) استفا کرد و به جنبش مقاومت پیوست.

«اوردن» چیست؟

«اوردن» بزرگترین سازمان شبه نظامی تروریستی در السالوادور است. این سازمان مسئولیت قتل هزاران مہین دوست را عهده‌دارد. «اوردن» زیر سرپرستی مستقیم رئیس جمهوری عمل می‌کند و افراد آنرا «داوطلبان ارتش» «گارد ملی»، پلیس، کارآگاهی، پلیس سیاسی، سازمان‌های امنیت کشوری و لشکری، دژبانی و ژاندارمری تشکیل می‌دهند.

کارگران چاپخانه های زنجان

مابه پیروزی بر امریکامی اندیشیم



مشکلات را بخاطر پیروزی تهنائی انقلاب تحمل می کنیم.

در شهر زنجان ۵ چاپخانه بزرگ و کوچک وجود دارد، که به کارهای مختلف، از چاپ کتاب گرفته تا سفارش ادارات، مشغول هستند. میزان سرمایه چاپخانه "اقتصاد" چهار میلیون ریال سرمایه دارد و سرمایه چاپخانه "ستاره" حدود دو میلیون ریال است.

تعداد کارگران ثابت هر یک از چاپخانه ها حدود ۲۵ نفر است، که در قسمت های مختلف کار می کنند. در ۲ کارگاه از کارگاه های زنجان، تنها ماشین ملخی وجود دارد و در ۳ کارگاه دیگر، علاوه بر ماشین های ملخی کوچک ماشین بزرگ بزرگی یافت می شود.

در چاپخانه ها محیط کار، به علت پخش ذرات سرب در فضای کارگاه، آلوده می شود و لازم است که برای رعایت بهداشت و حفظ سلامت کارگران کارگاه ها به تهویه مجهز شوند. البته این مقررات در چاپخانه ها رعایت نمی شود و در نتیجه کارگران مبتلا به انواع ناراحتی های جسمی، تنفسی، اعصاب، سردرد و واریس می شوند.

کارروانه کارگران ساعت (۲۵) ساعت در هفته است، ولی کارگران، به دلیل کمی دستمزد، مجبور هستند اضافه کاری کنند. قوانین کار در مورد بیمه، بهداشت محیط کار، حق مسکن و خواربار شامل حال آنها نمی شود و دستمزدها بسیار پایین است.

یکی از مشکلات اساسی کارگران چاپخانه های شهر زنجان، نداشتن یک سندیکای واقعی است. کارگران برای بهبود وضع زندگیشان خواست های صنفی و اجتماعی دارند که، برای تحقق بخشیدن به این خواست ها، نیازمند برخورداری از حق قانونی تشکیل انجمن های صنفی خود هستند.

تشکیل کارگران در سندیکا، سازمانی به منظور دفاع از انقلاب و موجب اتحاد کارگران باشد، گامی است در جهت برآوردن خواست های قانونی و حقوق کارگران.

بانی چند کارکنان در مورد جنگ و شرایط کار آنها صحبت می کنیم. یکی از کارگران به نام علی رستمی، که قبلاً کارگر ساختمانی بوده است، در باره جنگ تمهیلی می گوید:

"صدام به تحریک آمریکا به ایران تجاوز کرده است. اگر به وجود من احتیاج باشد، باکمال میل حاضریم به تولید این کارخانه ها ورزیم."

در باره سندیگامی می گوید: "ما در زنجان ۵ چاپخانه بزرگ و کوچک وجود دارد، که به کارهای مختلف، از چاپ کتاب گرفته تا سفارش ادارات، مشغول هستند. میزان سرمایه چاپخانه "اقتصاد" چهار میلیون ریال سرمایه دارد و سرمایه چاپخانه "ستاره" حدود دو میلیون ریال است.

مشکل شوند، تا هم نتوانند منافع صنفی و اجتماعی خود را تامین کنند و هم متحد و یکپارچه بیجا ساداری دستاورد های انقلاب بپردازند.

وی در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا می گوید:

"امپریالیسم و ارتجاع بین المللی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر آن هستند که با تدارک و اجرای توطئه های گوناگون، انقلاب ایران را درهم بشکنند و جمهوری اسلامی ایران را نابود کنند. ولی کشورهای دوست نیز از انقلاب و جمهوری اسلامی پشتیبانی می کنند و آمادگی هرگونه کمک و یاری به ما هستند."

بانی دیگران کارگران به گفتگو می نشینیم. او حدود ۱۹ سال دارد. فعلاً ترک تحصیل کرده است و مدت ۳ سال است در چاپخانه کار می کند. او در مورد تدوین قانون جدید می گوید:

"قانون کار باید به وضع کارگران رسیدگی کند و به سود کارگران باشد. وزارت کار دولت باید از کارگران کاملاً حمایت کند. تدوین و اجرای قانون انقلابی کار را از جمله این اقدامات است. با کارگر دیگری نام اباصلت رفیعی گفتگو می کنیم. وی تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده است و سپس به علت مشکلات مالی، مجبور به ترک تحصیل و کار در قالی بافنی ها و چاپخانه شد. او درباره مشکلات ناشی از دشواری های پس از انقلاب و جنگ تمهیلی رژیم صدام می گوید:

"گرمائی و دیگر مشکلات را ما تحمل می کنیم. در زمان کمی اسدآوران و سرمایه داران در باره سندیگامی می گوید: "اگر کارگران هنگام و در سندیکا متشکل شوند، بیختری توانند به انقلاب خدمت کنند."

درباره تدوین قانون کار نیز معتقد است: "قانون کار باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند و از مستکبران بگیرد و به مستضعفان بدهد."

با کارگر دیگری صحبت می کنیم. درباره سندیکا می گوید: "کارگران باید در سندیکاها

درباره سندیگامی می گوید: "ما در زنجان ۵ چاپخانه بزرگ و کوچک وجود دارد، که به کارهای مختلف، از چاپ کتاب گرفته تا سفارش ادارات، مشغول هستند. میزان سرمایه چاپخانه "اقتصاد" چهار میلیون ریال سرمایه دارد و سرمایه چاپخانه "ستاره" حدود دو میلیون ریال است.

تعداد کارگران ثابت هر یک از چاپخانه ها حدود ۲۵ نفر است، که در قسمت های مختلف کار می کنند. در ۲ کارگاه از کارگاه های زنجان، تنها ماشین ملخی وجود دارد و در ۳ کارگاه دیگر، علاوه بر ماشین های ملخی کوچک ماشین بزرگ بزرگی یافت می شود.

در چاپخانه ها محیط کار، به علت پخش ذرات سرب در فضای کارگاه، آلوده می شود و لازم است که برای رعایت بهداشت و حفظ سلامت کارگران کارگاه ها به تهویه مجهز شوند. البته این مقررات در چاپخانه ها رعایت نمی شود و در نتیجه کارگران مبتلا به انواع ناراحتی های جسمی، تنفسی، اعصاب، سردرد و واریس می شوند.

کارگران راه آهن میانه:

پیگیر وقایع در راه دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن

باره سندیکا می گوید:

"در زمان طاغوت سندیکایی تشکیل داده بودیم که بهم زدند و گفتند که به سندیکا احتیاج نیست، هر قسمتی نماینده انتخاب کند، تا ما به وسیله آنها با شما ارتباط برقرار کرده، مشکلاتتان را حل کنیم. ما هم نمایندگان انتخاب کردیم و مشکلاتمان را به آنها گفتیم، تا آنها با مقامات به صحبت بپردازند. ولی وقتی آنها با نمایندگان ما مواجه شدند، به آنها گفتند که: آقا احتیاجی به نماینده نیست. امروز در کارگران مشکلی دیدیم خودمان حل خواهیم کرد. و بدین ترتیب آنها را روانه کردند و از آن پس تا حال سندیکا نداریم."

از وی درباره تجاوز رژیم صدام به ایران می پرسیم. می گوید:

"به نظر من آمریکا اول شروع کرده توطئه چینی، ماجرای طیس را بوجود آورد، ولی چون دیدکاری از پیش نبود، به حمله دیگری متوسل شد و این بار عراق را به سراغ ما فرستاد و در این راه دوستان نزدیکش چون اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان و غیره به او کمک کرده می کنند."

وی همچنین درباره وظیفه کارگران در این موقعیت حساس می گوید: "وظیفه تمام کارگران در این موقعیت این است که بیش از پیش، با جدیت هر چه تمام تر کار کنند، حتی اگر شده در کارخانه ها اضافه کاری کنند، تا ضمن درهم شکستن محاصره اقتصادی آمریکا، با تولید زیاد تر در خدمت انقلاب و جبهه باشند."

او در پایان از مردم خواست که "با صرف تمام توان خود ثابت کنند که همانطور که آمریکا نتوانست در ایران کاری بکند، عراق هم نمی تواند کاری از پیش ببرد."

پیش از ۲ سال از پیروزی انقلاب شکوهمندمان می گذرد، ۲ سال پیراز فراز و نشیب. در این مدت امپریالیسم آمریکا، چون پلنگ تیر خورده ای، یک آن از دشمنی با کشور ما غافل نبود. پشت سر هم توطئه چید، تا شاید انقلابیون را به شکست بکشاند و در این راه هنوز هم از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. زحمتکشان ایران و در رأس آن طبقه کارگر درختی کردن این توطئه ها نقش قاطع خویش را بار دیگر عیان ساختند. آنان نشان دادند که به هیچ وجه حاضر نیستند پیروزی انقلابی را که متعلق به آنهاست، از دست بدهند، آنان ثابت کردند که همچنان که در موقعت انقلاب با زوری اصلی آن بودند، در مقابله توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکان نیز صف مقدم جبهه هستند."

کارگران راه آهن نیز، چون دیگر کارگران ایران، در پی سال ها حکومت "اربابی" "حزقفر، بدبختی نابسامانی و در سدری چیزی دیگر عایدشان نشد و بدین سبب دوش بدوش سایر کارگران بارزیم گذشته چنگ زدند و امروز هم نقش عظیم خویش را جهت حفظ دستاوردهای انقلاب همچنان ایفا می کنند."

عوضعلی فتحی، یکی از این کارگران است که به همراه کارگر دیگری در کنار "فیژکوبی سی" مبانسه به شکل راهداری مشغول است. یکی روزها و دیگری شبها به کار نگهبانی می پردازند. عوضعلی کارگری است که ۲۴ سال سابقه کار دارد و می گوید:

"در زمان طاغوت با انواع مشکلات مواجه بودیم، که مهم ترین آنها کمی دستمزد بود. مثلاً من خودم با ۶۰۰ تومان حقوق ماهانه مجبور بودم خرج ۷ سرنانه را بدهم. ولی پس از انقلاب حقوقم به ۲۸۴۴ تومان رسید. ما است. در قسمت ما ۲۵ کارگر کار می کنند، که همگی وضعی مشابه وضع من داشتند. گذشته از آن، پس از انقلاب استخدام رسمی شدیم و توانستیم از بعضی از قوانین کارگری استفاده کنیم. البته این راه باید بگوییم که نابسامانی در وضعمان پس از انقلاب هم مشاهده می شود، مثلاً کفش و لباس زمستانی و غیره هنوز هم به ما ندادند، ولی ما امیدواریم که اینها هم رفع شود. وی در ادامه حرف هایش در

- کارگران باید در سندیکاها متشکل شوند، تا هم بتوانند منافع صنفی و اجتماعی خود را تامین کنند و هم متحد و یکپارچه به پاسداری از دستاوردهای انقلاب بپردازند.
- قانون کار جدید باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند.

اباصلت، در کلاس های آموزش نظامی بسیج، که در مسجد محله تشکیل می شود، شرکت کرده است. وظیفه مسئولین است که با تدوین و به اجرا درآوردن قانون جدید کار و رفع نقائص و کمبودها، مشکلات کارگران را حل کنند و در راه تامین زندگی بهتر برای آنها گام بردارند.

در کارخانه های ذوب مس زنجان چه میگذرد؟



در جهاد مقدس کار، تا بزان در آوردن امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا به پیش!

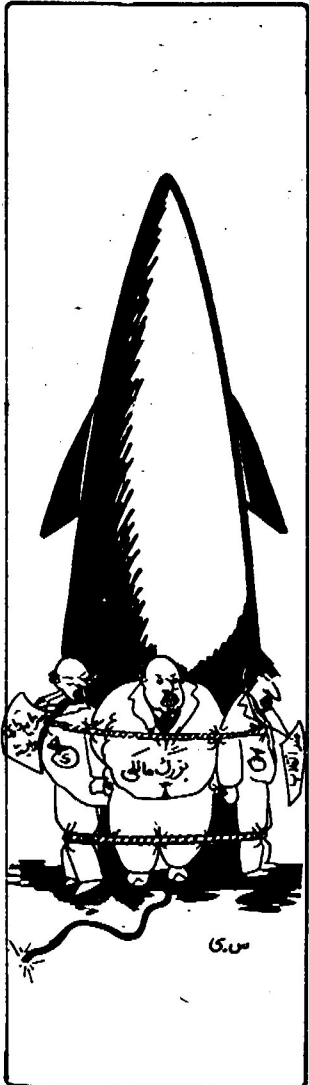
اولین کارخانه ذوب مس زنجان بیش از ۲۰ سال پیش، با یک دستگاه ذوب مس و ورق سازی شروع به کار کرد. بعدها که صنعت مسگری در این شهر توسعه زیادی پیدا کرد، به تعداد این کارخانه ها نیز افزوده شد. بطوری که امروز در حدود ۷ کارخانه در مناطق غرب مشغول به کارند، که تعدادی از آنها دارای ۲ یا ۳ دستگاه هستند. تولید این کارخانه ها ورق مس است، که آنرا از ذوب کردن سنگ مس و خالص کردن آن بدست می آورند. در این کارخانه ها بیش از ۶۰ کارگر در شرایط دشوار کار مشغول به تولید هستند. بیشتر کارگاه های این کارخانه ها غیر بهداشتی و دود گرفته است و هوای آلوده به انواع دودهای ناراحت کننده، که وارد داخل کوره ها وارد فضای کاری می شود، سلامت کارگران را در معرض تهدید دائمی قرار می دهد. گرمای بیش از حد کوره ها نیز خطری است جدی برای سلامت کارگران. در بیشتر کارخانه ها کارگران هیچ گونه تشکیلی، چون سندیکا و یا شوراهای کارگری ندارند و از برخی قوانین کار، از جمله بیمه نیز برخوردار نیستند. تا کنون هم هیچگونه اقدامی در این مورد صورت نگرفته است. عباس، یکی از کارگران، می گوید:

"ما بعضی قوانین کار بر خوردار

"ما مواد اولیه را از بنگه های تهیه می کنیم که آنها از خارج (کویت) وارد می کنند، و چون به دلیل خود قیمت ها را بالا می برند، ما مجبوریم آن را گران بخریم، در نتیجه تولید این کارخانه هم گران در می آید، و در همین ارتباط قیمت تولیدات مسی نیز گرانتر می شود. دولت می تواند با ملی کردن بازرگانی خارجی، واردات را خود در دست بگیرد، تا قیمت آن را کنترل کند، و به ما هم وام صنعتی جهت توسعه کارخانه بدهد، تا بتوانیم مقدار تولید را بالاتر ببریم."

کارگران صنایع ذوب مس از بسیج مستضعفان و دیگر نهاد های انقلابی می خواهند که در کارخانه ها به آنها آموزش نظامی بدهند، تا در مقابل هر نوع تجاوز امپریالیسم آمریکا آمادگی مقابله داشته باشند. آنها می گویند:

"امروز که جوانان ما در مرز در مقابل تجاوز نظامی صدام به مقابله برخاسته اند، وظیفه ما است که تا آنجا که می توانیم، تولیدمان را بیشتر کنیم و با کار بیشتر علیه محاصره اقتصادی مبارزه کنیم و بنگاریم که کشور احتیاج به محصولات خارجی پیدا کند. اکنون که انقلاب ما در مرحله حساسی را می گذراند، وظیفه دولت است که با اقدامات انقلابی، قدم های موثری برای حل مشکلات زحمتکشان بردارد، تا آنها با خاطری آسوده در راه انقلاب و تولید زیاد تر گام بردارند."



تایید «ج» اجرا نشود، بزرگ مالکان به توطئه و زور گوئی ادامه خواهند داد

چگونه فتودال ها بال و پر گرفتند

روستاییان سپهتان، که سالها در زیر ظلم و ستم مالکان و اربابان وابسته زیرم طاغوت کمرشان خم شده بود، بعد از انقلاب با کمک و نظارت نهادهای انقلابی، برای کشت همه زمینها اقدام به گرفتن اراضی بزرگ مالکان کردند. آنها پیام امام خمینی، رهبر انقلاب، براساسی تولید هرچه بیشتر محصول، با کوشش جان شنیدند و شروع به کشت کردند.

در این اواخر، مالکان بزرگ به توسط اهادیشان و لیسرالها و روحانی نمایان، با استفاده از محاصره اقتصادی و وضع جنگی و دشواری کوشی و نیز توقف بند "ج"، دوباره به میدان آمدند و شروع به غصب زمینهای دهقانان کردند. آنها گاه از همکاری عناصر ناباب و مشکوکی که توانسته اند در درون دستگاههای دولتی و نهادهای انقلابی رخنه کنند، برخوردار می شوند. عمال زمین داران بزرگ، علاوه بر آنکه عده ای از جوانان دلیر و پرشور انقلابی عضو نهادهای انقلابی را کشته یا تهدید به قتل کرده اند، موجودیت و اثر بخشی این نهادهای انقلابی و از جمله هیئت واگذاری زمین را مورد حمله قرار می دهند. آنها می خواهند، با تضعیف این نهادها، آب رفته را با نمحور برگردانند و دوباره همان روابط ظالمانه گذشته را حاکم کنند. چند نمونه ای که در زیر یادآوری می شود، با مثالهایی از روستاهای اطراف نوشهر، کرچ، گرگان، بروجرد و فیروزآباد فارس، نشان می دهد که خطر بزرگ مالکان و عمال آنها، خطری جدی است و باید بند "ج" هرچه زودتر اجرا و دست غارتگران کوتاه شود.

در کرچ زمینی به مساحت ۲۵۰ هکتار توسط هیئت هفت نفری مصادره شد. خواست این هیئت، که صاحب این اراضی خود را معرفی کند، بدون جواب ماند. هیئت ۷ نفری هم این زمینها را به دهقانان واگذار کرد. بعد از چند روز که دهقانان شروع به تخم زدن زمینها کردند، سرولکه مالک زورگو پیدا شد و چون در درون دستگاههای دولتی نفوذ داشت، توانست دوباره زمینهای متعلق به دهقانان را غصب کند. تکلیف این اراضی هنوز معلوم نیست و این زمین کوبی دیگر قابل دوام نیست.

چندی پیش توسط روستاییان اطراف شهرستان گرگان و با همکاری جهاد سازندگی و سپاه پاسداران آن منطقه، اراضی یک بزرگ مالک مصادره و به دهقانان واگذار شد. اما او به کمک ایادی خود، که در دستگاههای دولتی نفوذ دارند، به سرزمینها بازگشت و آنرا از دهقانان گرفت. اوسپاسداری می کند که میان دهقانان و نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران و جهاد سازندگی تفرقه سازد و مدعی است که فقط او می تواند زمینها را "بازور" کند. مالک می خواهد با عوام فریبی سرپوش بر روی اعمال ضد انقلابی خود بگذارد. اما دهقانان یقین دارند که قدر آینده نزدیک زمینهایی را که متعلق به خودشان است، پس خواهند گرفت. همان طور که از نهاد انقلابی هیئت واگذاری زمین و مقامات مسئول انتظار می رفت، آنها جانب دهقانان را گرفته اند.

در حدود ۶ ماه قبل، اهالی روستاهای واقع در ۴ کیلومتری غرب بروجرد، زمینهای ارباب را گرفتند و میان خود تقسیم کردند. بعد از چند روز، ارباب، که فرار کرده بود، به کمک روحانی نماینده به روستا بازگشت، و در نتیجه تشنات او، ۲ نفر از نمایندگان دهقانان را دستگیر و در شهر زندانی کردند. این عمل باعث خشم روستاییان شد. بیداد مالک و روحانی نما به قدری آشکار و غیر قابل

تحمل بود، که کار به گرگان گیری کشید. دهقانان به نیروی اتحاد و همبستگی خود موفق شدند که نمایندگان خود را آزاد و دوباره ارباب را از ده بیرون کنند.

هیئت واگذاری زمین شهرستان نوشهر از همان آغاز کار با توطئه های رنگارنگ فتودالها روبرو شد. طبق معمول سردمداران این توطئه ها ساواکها، مالکان بزرگ، روحانی نمایان و لیسرالها هستند. از همان زمانی که هیئت واگذاری زمین نوشهر شروع به کار کرد، این گروهها برای بی اعتبار کردن این نهاد انقلابی و اعضای صدیق آن، از هیچ کاری فروگذار نکردند. اما این که فتودالها شدیداً این هیئت را تحت فشار گذاشته اند، فعالیت مادی آنها را این هیئت نمی گذارد که این توطئه ها بیشتر برسد. با این که بند "ج" موقتاً متوقف مانده است، هیئت بازنگری با این حال دهقانان امیدوارند که مجلس شورای اسلامی هر چه زودتر مسئله را به سود آنها حل کند.

در روستای نارنج (حوالی نوشهر) خانوادهای که "درویش" هستند و زمینهای زیادی در اختیار دارند، به تکاپو افتاده اند، تا این هیئت را بی اعتبار سازند. این زمینداران بزرگ، همگی در زمان رژیم گذشته، بطور فعال با ساواک همکاری داشتند. به گفته اهالی، پسر یکی از این مالکان بزرگ مأمور گشت ساواک بوده و در کشتار سیاهکل فعالیت داشته است. یکی دیگر از اعضای این خانواده، که او هم سابقه اش بر همه روشن است، در زمان طاغوت رئیس فرهنگ بود و دزدی بسیار کرد. بزرگ مالک دیگر از همین خانواده، کسی است که شاهپور غلامرئای مغفور را به خانه اش دعوت می کرده است. یکی دیگر از اعضای این خانواده در کودتای ۲۸ مرداد شرکت فعال داشته و از جماع داران و جاقوکلان بوده است.

در شهر فیروزآباد فارس، به دنبال تظاهرات وسیعی که علیه بزرگ مالکی و توطئه های خوانین صورت

گرفت، روستاییان همچنان هشیارانه خواستار قطع نفوذ خانها و فتودالها هستند. آنها از مقامات مسئول می طلبند که به حساسیت وضع استان و خطر توطئه های خوانین توجه کنند و برای جلوگیری از ایجاد کانونهای تشنج و درگیری، هر چه زودتر قانون اصلاحات ارضی و خصوصاً بند "ج" این قانون را، به سرپوشی هیئت های واگذاری زمین، به اجرا گذارند. بدنیال اظهارات مقامات مسئول در دولت و در ستاد زمین و در مجلس شورای اسلامی، امید دهقانان فارسی است که مجلس، هر چه زودتر، تکلیف مالکین بزرگ را روشن و دست آنها را کوتاه کند.

عناصر مشکوک و توطئه گر در شهرستان داراب، حربه ساسی فتودالها را برای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و قوانین مصوبه آن، برای ایجاد درگیری و تشنج در شهر و اعمال فشار به دولت هستند. آنها مدتی است که برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی تلاش می کنند. در مقابل، نهاد سازندگی و سپاه پاسداران، پشتیبان روستاییان و خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند و وظیفه خطر خود را در دفاع از انقلاب با سر بلندی، علیرغم مشکلات بسیار، به انجام می رسانند.

بزرگ مالکان منطقه ایده موجب قتل کشاورزی بنام جعفر از روستای کور- پوروی و کشاورز دیگری بنام علیمراد از روستای تل قله سادات می شوند. ۴ نفر هم در این میان مجروح گردیدند. حادثه بدنیال دادن حکم کشت زمینها از طرف سپاه پاسداران به سادات حسینیها را رخداد. قائلین توسط سپاه پاسداران و دیگر مأموران دستگیر شدند، ولی مرکز توطئه و تشنج، که بزرگ مالکان هستند، تا بند "ج" کاملاً اجرا نشود، از بین نمی رود. اینگونه کشتارها، که در نامه "مردم" قبلاً هم پیرامون آن توضیح

دادیم، نتیجه توطئه بزرگ مالکان است. آنان شب و روز در فکر توطئه علیه انقلاب و دهقانان زحمتکش هستند. باید اعلان اصلی این توطئه ها را، که همان مالکان بزرگ هستند، شناسایی و دستگیر کرد و آنهارا به سرزای اعمالشان رساند. ریشه فاسد بزرگ مالکی را فقط از طریق واگذاری و تقسیم زمینهای مالکان بزرگ میان دهقانان بی زمین و کم زمین می شود خستکان.

در گازرون، زمینهایی که توسط هیئت ۷ نفری به دهقانان سپهستان واگذار شده بود، به واسطه ننگذاری بزرگ مالکان در درون دستگاههای دولتی داشتند و نیز پشتیبانی امام جمعه گازرون از آنها، بار دیگر به مالکان برگردانده شد.

دهقانان زحمتکش توانسته بودند، با کمک هیئت ۷ نفری، به یکی از خواستهای اساسی خود و یکی از اهدافهای مهم انقلاب دست یابند و روی زمینهای متعلق به خود کار کنند. اما مالکین بزرگ شروع به توطئه کردند و شکایتی تحت عنوان "تصرف عدوانی توسط دهقانان!" به دادگاه دادند. مالکان بزرگ متأسفانه توانستند عمل قانونی و حقه دهقانان را "تصرف عدوانی" جلوه سازند و باز هم متأسفانه دادگاه، علیرغم خواست هیئت ۷ نفری و دهقانان و علیرغم وظیفه انقلابی خویش، بجای آنکه جانب دهقانان را بگیرد، حکم بسود بزرگ مالکان صادر کرد.

بزرگ مالکان طاغوتی سالها است که از طریق زور و تزویر اراضی دهقانان زحمتکش را تصرف کرده اند، اما حالاد ام "تصرف عدوانی توسط دهقانان" می زنند و روحانی شهر را بهماری می طلبند. باید هر چه سریع تر اصول بند "ج" پایا باشد و قوانین اصلاحات ارضی با مجرا درآید، تا به حمایت ننگین بزرگ مالکی و زد و بند های آنان در ایران پایان داده شود.

ساواکیها، مالکان بزرگ، روحانی نمایان و لیسرالها شرایط دشوار کوشی را برای اجرای هدفهای پلید خود مناسب دیدند و فعالیت ضد انقلابی خود را تشدید کردند. آنها به خیال خام خود می خواهند نگذارند انقلاب به پیش رود. ولی بزرگ مالکی آخرین روزهای عمر منحوس خود را می گذرانند. روستاییان ماهشمار تر از آن هستند که بگذرانند این نوزک و طرفداران شیطان بزرگ کاری از پیش ببرند. آنها می دانند که بهترین وسیله برای جلوگیری از اعمال ننگین این عده، اتحاد آنها و تحمل دشواریهای برخاسته از جنگ و سرکوب همین عناصر و فاش کردن دسیس و شایعه پراکنیهای بزرگ مالکان است.

از آنجا که کار بسیاری از بزرگ مالکان به توطئه و تحریک و آدم کشی و قانون شکنی کشیده، لازم است که مقامات مسئول این عده توطئه گر را شناسایی و دستگیر کنند و به سرزای اعمال ضد انقلابی شان برسانند. در اینجا سرنوشته انقلاب مطرح است. سهل انگاری اصلاً جایز نیست.

خوشبختانه نهادهای انقلابی، به ویژه سپاه، جهاد و هیئتها به رسالت بزرگ خود وفادارند و با هواداری از دهقانان و حق مسلم و قانونی آنها، در تحکیم جنبه انقلاب می کوشند. اینک دیگر آشکار است که اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی واجب است. واگذاری زمین به روستاییان بی زمین، یعنی اجرای عدالت و دادن حق به حقدار، موجب می شود که دهقانان به انقلاب امیدوار شوند و در حمایت از آن، در تحکیم جمهوری اسلامی ایران، با تمام نیروی خود بکوشند و خود جلو توطئه های عناصر خود فروخته و مزدور بزرگ مالکان را بگیرند.

اجرای بند "ج"، زمین را زیر پای توطئه گران است می کند، قدرت سازمان دادن تحریکات و تشنات را از بزرگ مالکان می گیرد و شر این غارتگران خونریز و فاسد را از روستاها دور می کند.

بحرکات ضد انقلابی فتودالها، افزونی بخشدند. در این قطعه نامه، همچنین از خود را در محل نشان دادند، بخصوص سپاه پاسداران انقلاب، پشتیبانی شده و اعمال گروههایی که جهت اجرای دسیس شیطان بزرگ صورت می گیرد، محکوم گردیده است.



توطئه لیبرالها و دیگر عناصر مرتجع طرفدار فتودالها را محکوم می کنیم

دهقانان قوچ حصار و سلمبر طی نامه ای به حضور آیت الله منتظری، تکرانی خود را از توقف بند "ج" اعلام میکنند. عین متن نامه آنها را باهم می خوانیم:

بسم تعالی حضور محترم آیت الله منتظری

ما دهقانان و دیگر اهالی دور روستای قوچ حصار و سلمبر پشتیبانی کامل خود را از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی اعلام میکنیم. همچنین پشتیبانی کامل خود را از کلیه نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران، هیئت های هفت نفره و جهاد سازندگی اعلام کردیم. ما بزرگاری کامل خود را از اقدام های جهاد سازندگی در این دور روستا اعلام میکنیم. ما توطئه های لیبرالها و دیگر عناصر مرتجع طرفدار فتودالها و سرمایه داران را محکوم می کنیم و تکرانی خود را از توقف بند "ج" که منوط به تقسیم زمینهای بزرگ مالکان است اعلام میکنیم. و از آن حضرت عالی استدعا داریم تا در جهت رفع موانعی که سر راه این قانون قرار گرفته است اقدام کنید. ما دهقانان مستضعفین است پایبندگاری خود درود بر رهبر عظیم الشان انقلاب امام خمینی

هیئت های هفت نفری زودتر عمل کنید بزرگ مالکی پایگاه امیر یالیم و ستون پنجم تجاوز کاران است تکیه گاه دشمن را با واگذاری زمینها به دهقانان زحمتکش نابود کنید!

مردم دست معان و پارس آباد خواستار اجرای فوری بند "ج" شدند

در مراسم بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب، بهیشتی، خواستار اجرای مجدد و سریع بند "ج" اصلاحات ارضی اسلامیان هستیم. در قسمت دیگری از این قطعه نامه

اهالی پارس آباد و دشت معان و کارکنان شرکت کشت و صنعت معان در رامیمایی بزرگداشت دومین سالگرد پیروزی انقلاب، با صدور قطعنامه ای خواستار اجرای هر چه سریعتر بند "ج" اصلاحات ارضی شدند. در این قطعنامه از جمله آمده است: "ما بر حسب رهنمودهای حضرات آیت عظام، منتظری، مشکینی و

دگرگونی های اجتماعی نقش اساسی را در مبارزه با بیسوادی دارد

نمونه های زیر نشان می دهد که دگرگونی های اجتماعی نقش اساسی را در مبارزه علیه بیسوادی دارند:

در کوبا، بیست و یک سال پیش، ۳۰ درصد مردم بیسواد بودند. اما یک سال بعد، نخستین کشور سوسیالیستی آمریکا همچنین نخستین کشور آمریکای لاتین بود که در آن بیسوادی بگلی از میان رفته بود. کوبا امروزه کادرهای آموزشی خود را برای شرکت در نهضت سوادآموزی به کشورهای دیگر جهان، از جمله آنکولا و نیکاراگوئه گسیل می دارد.

در ویتنام نیز در مدتی، از نظر تاریخی بسکو تا بیسوادی از بین رفت. در اتیوپی، اینک بیش از ۶ میلیون نفر، با بیای سوادآموزی، به تحصیل مقدمات سیاست و حرفه مشغولند. در موزامبیک، مرحله دوم مبارزه با بیسوادی، با شرکت ۳۰۰ هزار نفر، آغاز شده است.

یکی از نخستین اقدامات دولت انقلابی نیکاراگوئه مبارزه با بیسوادی بود. کشورهای سوسیالیستی، در زمینه سوادآموزی نیز، از هیچگونه کمک بیدریغ به کشورهای نوپا و انقلابی و جنبش های آزادی بخش ملی خودداری نمی کنند.

بموجب آخرین گزارش های "یونسکو"، امروزه در جهان ۸۱۴ میلیون نفر، یعنی در حدود یک پنجم سکنه روی زمین، از نعمت خواندن و نوشتن بی بهره اند. شکی نیست که توصیه های کنفرانس جهانی وزیران آموزش و پرورش در باره ریشه کنی بیسوادی (۱۹۶۵) و "چهاردهمین کنفرانس عمومی یونسکو" (۱۹۶۶) در بسیاری از کشورهای نتیجه نهاده است. با این همه، تنها در سال های ۴۹-۱۳۳۹ شماره بیسوادان جهان به میزان ۸۳ میلیون نفر بالا رفت. بیسوادی بویژه در کشورهای آفریقا (۷۵ درصد)، آسیا (۵۰ درصد) و آمریکای لاتین (۲۵ درصد) رواج دارد. مهم ترین علت های بیسوادی را باید در میراث بهره کشی استعماری و نو استعماری، سرکوب اجتماعی و سیاسی و نبود زبان نوشتنی جستجو کرد.

از سوی دیگر، در کشورهای سرمایه داری صنعتی نیز، شمار بیسوادان بیش از آنست که انتظار می رود: از جمله در ایالات متحده آمریکا بیش از ۱/۵ میلیون و در بریتانیا بیش از یک میلیون، علت عمده بیسوادی در اینگونه کشورها محدودیت های طبقاتی است.

چند پرسش و ...

بقیه از صفحه ۳

منتظر از «چهارده فامیل» السالوادور چیست؟

"چهارده فامیل"، الیکارشی السالوادور را تشکیل می دهند. در این میان، شماره آنها به ۲۰۰ افزایش یافته است. "چهارده فامیل" نزدیک به ۶۰ درصد زمین های زیر کشت، تراپری همگانی، صنعت، بانک ها، شرکت های بیمه بازرگانی السالوادور را در اختیار خود دارند. میان "چهارده فامیل" السالوادور و سرمایه بین المللی، بویژه انحصارات ایالات متحده آمریکا پیوندهای بسیار نزدیک موجود است. حاکمیت "چهارده فامیل" بر پایه منوروی ارتش، سازمان های شبه نظامی و دستگاه پیچیده امنیتی استوار است. سرمایه گذاری های مستقیم ایالات

متحده در السالوادور بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار است. السالوادور در استراتژی آمریکا همواره مقامی مهم داشته است. بویژه پس از انقلاب نیکاراگوئه، السالوادور در نقشه های تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده نقش فزاینده یافته است.

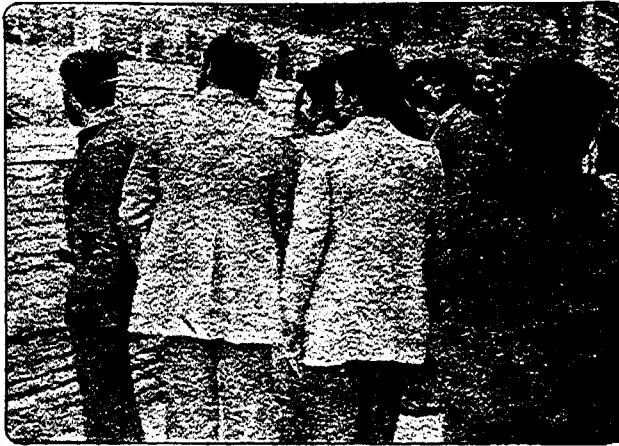
یکسال و نیم پیش، واپرون و یکی معاون وزارت خارجه آمریکا، و مشول آمریکای لاتین در کنفرانس آن کشور، "تئوریت ابتکار" ایالات متحده آمریکا را برای "اعمال تغییرات بی درد" در آمریکای لاتین یادآور شد. بگفته او: "نگهداشت وضع موجود در گواتمالا، السالوادور و هندوراس مسخره است. مسئله بر سر این نیست که در باره احتمال تغییرات به بحث پردازیم، بلکه باید مواظب بود که چنین تغییراتی محصول قهر انقلابی نباشد."

این حکم امپریالیستی هنوز نیز توجیه "ایدئولوژیک" مداخلات وسیع ایالات متحده آمریکا را در امور السالوادور و مقابله با رستاخیز ملی این کشور تشکیل می دهد.



منظره ای از حکومت نظامی دست نشانده امپریالیسم آمریکا در السالوادور

وقایع دوران انقلاب در سبزوار



از طرف اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرستان سبزوار، نمایشگاه عکسی از وقایع دوران انقلاب، همزمان با دومین سالگرد انقلاب شکوهمند میهنمان، در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، در مدت برپایی خود، با استقبال گرم مردم روبرو شد.

نمایشگاه توطئه های امپریالیسم آمریکا در رشت



از طرف اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در رشت، نمایشگاه عکسی از توطئه های امپریالیسم آمریکا در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، که در تاریخ دوازدهم دی ماه سال جاری در دبیرستان "نور" رشت تشکیل شد، مورد استقبال دانش آموزان و مردم محل قرار گرفت.

گسترش فعالیت ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان

اخبار رسیده از سیستان و بلوچستان حکایت از گسترش فعالیت های مخرب عوامل ضد انقلاب و فئودال های این منطقه دارد.

در این ارتباط باید به بازگشت یکی از سران ضد انقلاب در منطقه به نام محمدحسن درخشان، که یازدهم سرهنگی در ارتش عمان خدمت می کرده، اشاره کرد. وی که چندی پیش، بدینال شهادت ۱۱ تن از پاسداران انقلاب، به پاکستان گریخت، اکنون مدت ۲ هفته است که از طریق مسقط به «راسک» در نزدیکی چابهار آمده و به فعالیت پرداخته است.

همچنین گریه پخش سعیدی فودال فرادی و یکی از سرداران بلوچستان، که در دوران رژیم شاه ملعون صاحب ده گرمیبه (نزدیکی راسک) و مسالک زمینهای زیادی بود و فعلا در پاکستان تحت حمایت رژیم ضیاعالحق به توطئه گری علیه انقلاب مشغول است، چندی پیش به این ده آمد و ادعای سیم (۱) خود را کرد. لازم به تذکر است که ده «گرمیبه» از انقلاب، توسط جهاد سازندگی استان در اختیار مردم قرار گرفت و اینک توسط مردم زیر کشت رفته است. مردم این روستا، در برابر «گریه پخش سعیدی» عذایی، که خواستار بازپس گرفتن زمین های ده بودند، قاطعانه ایستادند و پورش آنان را در این جهت خنثی کردند. بدینال همین واقعه، این فرضه ضد انقلابی به پاکستان گریخت، تا آنجا با امکانات بیشتر و بهتر علیه انقلاب توطئه کند.

ماتوجه مقامات مشول استان و بخصوص سیاه پاسداران انقلاب را به این اخبار، کسه حکایت از گسترش فعالیت عوامل ضد انقلاب دارد. جلب می کنیم و انتظار داریم که با برخورد قاطع و انقلابی با این عوامل مزدور امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی پاکستان، هرگونه زمینه فعالیت آنان خنثی شود.

حقوق کارکنان دفاتر اسناد رسمی را پرداخت کنید

بوسیله مسئولین (کانون سردفتران، سازمان ثبت) اعلام جرم مینمائیم. با افضای حدود ۵۰ تن از کارکنان ما از مقامات مشول کشور و شخص آیت الله موسوی اردبیلی خواستاریم که با رسیدگی به خواست کارکنان زحمتکش دفاتر ثبت اسناد، مانع از ناراضی آنان شوند و از سودجویی عمده ای که به نام «کانون سردفتران» به مشور اکثریت کارکنان این دفاتر، شروتهای هنگفت اندوخته اند، جلوگیری کنند.

شما بعنوان حافظ و ناظر اجرای قوانین اعلام می کنیم که ماده واحده مصوبه ۳۳-۵۹ شورای انقلاب درباره کسبه کارکنان دفاتر اسناد رسمی (که از اشیاء مستصفا جامه هستند) تاکنون عملی نشده. از شما که صیانت از قوانین این جمهوری را بعهده دارید، مصرأ می خواهیم که تکذارید قوانین مصوبه، ملغیه دست گستاخانه عمده ای از سردفتران اسناد رسمی گردیده و با افعال فشار و تشیبات اجرای قوانین جمهوری اسلامی را مسکوت نموده و یا بعهده تمویق اندازند و نسبت به عدم اجرای قانون

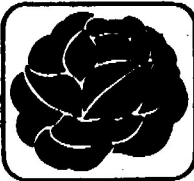
گروهی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی، در تاریخ ۱۵ بهمن ۵۹، طرنامه ای به آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، خواستار پرداخت وجوهی شدند، که طبق ماده واحده شورای انقلاب بایستی دریافت کنند. این نامه، که امضای حدود ۵۰ تن از کارکنان را دارد، به شرح زیر است: حضرت آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان محترم کل کشور ما گروهی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی تهران، در آستانه آغاز سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به

کمبود مصنوعی ساعت در بازار

ولی با جستجوی بیشتر در بازار و کتکو باقی چند از فروشندگان ساعت، این نتیجه عاید میشود که چون دولت قصد دارد ساعت های مارکدار را خود از خارج وارد کند و کنترل قیمت آنها را در دست بگیرد، ازهم اکنون سرمایه داران بزرگ ساعت ها را از بازار جمع کرده اند، تا در یک موقعیت مناسب، ساعت های مارکدار و معروف را با نرخ گرانتری عرضه کنند. ما از مسئولین امر انتظار داریم که با کنترل قیمت ساعتها و با تعیین نرخهای مناسب و رسمی، مانع سودجویی سرمایه داران بزرگ شوند.

سرمایه داران بزرگ و واسطه های فروش ساعت، ساعت های مارکدار مانند «سیتیزن»، «سیکو»، «گالو» و غیره را جمع آوری کرده اند، تا با ایجاد کمبود مصنوعی بتوانند بعدها با نرخ گرانتری آنها را در دسترس مشتری قرار دهند. با گشتی در مغازه های ساعت فروشی و بازار بخوبی میتوان متوجه این کمبود شد. البته دلیل فروشندگان برای این کمبود چنین است که: «چون موقع جنگ است و کالا وارد نمیشود، به همین علت مدتی است که ساعت های ذکر شده، وارد نمیشود»

تقویم سال نو



۱۳۶۰

منتشر شد

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

چه کسی و برای...

که در دنیای سرمایه‌داری، آنرا با نام پسر طوطی شناخته‌اند. پسکولوزی افکار عمومی و غیره نام گذاری میکنند.

«جوسوازی» بقیاس جامعه مستازم داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی و سازمانی است، که در دنیای سرمایه‌داری منحصر در دست انصارات خیری مطبوعاتی است. در جهان سرمایه‌داری تنها این انصارات بزرگ هستند که از چنین امکانی برخوردارند. بنابراین «جوسوازی» مانند یک پدیده اجتماعی، شیوه‌ایست که طبقات ممتاز در جامعه سرمایه‌داری از آن برای فریب توده‌های مردم منظور ادامه غارت دستخیز آنان استفاده میکنند.

ما همه «جوسوازی‌های دوران آریامهری را برای نشان دادن «یونان شاه مردم» بخاطر داریم. یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن آن بود که رسانه‌های گروهی و مطبوعات را از انحصار دربار و سرمایه‌داران وابسته و ملاکان بزرگ، که پایگاه اجتماعی رژیم شاهنشاهی بودند، بدر آورد. لیرالها، که لشکر لنگان بدین انقلاب آمدند، ولی سهم بزرگی از قدرت را گرفتند، امیدوار بودند که بتوانند پس از انقلاب، رادیو تلویزیون و مطبوعات را به‌خود بگیرند و همان «جوسوازی» را بسود خود ادامه دهند. در آغاز تاحسود زیادی موفق شده بودند ولی تسبیح انقلاب، امکانات زیادی را از دست آنها گرفت. از تریبون مجلس که یکدبزه، اینک لیرال یکی دو روزنامه برای انداخته‌اند و آنرا به‌عنوان «جوسوازی» بر ضد مخالفان خود، یعنی دشمنان امپریالیسم کرده‌اند. اما «جو» جامعه روز بروز بر خلاف میل آنان، در جهت محکوم‌ساختن سازش با امپریالیسم و حفظ سرمایه‌داری تغییر میکند، و هر قدر این تغییر محسوس‌تر میشود، قریب‌تر آسان بلندتر، خشن‌تر و منکرتر میشود و حملاتش بر نیروها، سازمانها و اجزای که در تعیین این «جو» زمینه‌ساز بوده‌اند، شدیدتر می‌گردد. حملات آنان به حزب توده ایران نیز از اینجاست چشمه میگیرد. لیرالها ما را متهم می‌کنند که با «جوسوازی» دوستان نادان، آنها، یعنی مبارزان مسلمان را برام مخالفت با امپریالیسم سرمایه‌داری و زمینداری بزرگ، کشته‌ایم. ولی خشم آنان نسبت به مبارزان مسلمان قوی‌تر از چیزی است که سرچشمه میگیرد که سرمایه‌داران لیرال یا شرکت در انقلاب ایران امیدوار بودند (و هنوز هم یکی نامیده شده‌اند) که بتوانند روحانیت و یا لاقط بخشی از آن را بنام اسلام، بدفاع از منافع طبقاتی خود جلب کنند. دوستی‌شان را نیز هنوز برای همین منظور حفظ کرده‌اند. اما بخش بزرگی از روحانیان، که رهبری امام‌خسینی را پذیرفته‌اند، بدینال آنان رفتند و راه مردمی خویش را بیرون هیچ «القای» از خارج ادامه دادند. این توده‌های زحمتکش بودند که افکار و آرزوهای خودشان را به‌عنوان از روحانیان «القای» کرده و حساب خود را از «اسلام» لیرالی جدا ساختند. ما نیز بسم خود در دفاع از انقلاب

ضد امپریالیستی و مردمی ایران، از استقلال و آزادی و ترقی ایران، از منافع زحمتکشان کوشیدیم. اینست دلیل اصلی آنکه لیرالها با تمام نیروی خود بر ضد ما «جوسوازی» می‌کنند، جوسوازی یعنی واقعی کلمه، یعنی تلاش در راه تأثیر در افکار عمومی از طریق دروغ‌پردازی، عوام‌فریبی، حتی افترا و فحاشی.

صفحات روزنامه‌های لیرالی را ورق بزنید: یکجا پیدا نمی‌کنید که نام حزب ما را بدون افزودن یک کلمه رکیک فبره باشند، دروغی نیست که برای ما سازند، عیسوی نیست که بچینند و مقصود از همه اینها، «جوسوازی» علیه حزب توده ایران برای بی اعتبار کردن حرفه‌ای است که ما بسود زحمتکشان و به زیان استثمارگران و استثمارگران هستیم. خود این ادهای آنان که ما «جوسوازی» میکنیم و «دوستان نادان» در دام این «جوسوازی» می‌افتند، یک «جوسوازی» ناچارانه است. آنهم بر ضد کسانی که آنها را دوست می‌نامند و دوست نیست. آنها امیدوارند با «جو» سلطه در این باره که مبارزان مسلمان در دام «جوسوازی» حزب توده ایران افتادند، آنها را به سکوت و تسلیم در برابر خواستهای خود وادار سازند. تاکنیک آنان بسیار روشن است: یا مبارزان مسلمان واقعا تسلیم خواستهای آنها میشوند، که چه بهتر، و زحمتکشان بدفاع از منافع زحمتکشان یا فشاری کردند (سیاستی که حزب توده ایران نیز پیگیرانه دنبال میکند) لیرالها حرف خود را با «دلائل محکمتر» تکرار میکنند. که مبارزان مسلمان در دام «جوسوازی»

برخی از مبارزان مسلمان، برای فرار از این اتهام، «راجل» خاصی یافته‌اند و آن فحاشی به حزب توده ایران است. ما ما بلیه به این صدها مبارزان یادآوری کردیم که، این شیوه هیچ دردی را درمان نمیکند، زیرا اگر آنها صدگروم به حزب توده ایران فحش بدهند، لیکن پیگیرانه از منافع زحمتکشان دفاع کنند، لیرالها این «کنامه» آنان را نمی‌بخشند. تنها نتیجه‌ای که از این «راه حل» بدست می‌آید، تفرقه افکنی بین نیروهای است که بر حسب خلعت طبقاتی خودشان، باید در جبهه واحد علیه لیرالها و در حقیقت علیه حفظ سرمایه‌داری و بازگشت منطقی امپریالیسم، سرگردمی آمریکا بر زمین ما مبارزه کنند.

در صحنه سیاسی کشور ما اکنون دو خط مشخص وجود دارد: خطی که لیرالها دنبال می‌کنند و این خط مستقیم و یا «گام به گام» به حفظ نظام سرمایه‌داری (که در شرایط کشور ما چیزی جز سرمایه‌داری وابسته نمی‌تواند باشد) منتهی میشود. و خطی که توده‌های مردم برهبری امام‌خسینی در پیش گرفته‌اند و هدف آن «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» یعنی به پیروزی قطعی و نهایی رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی است. نمیتوان در آن واحد در هر دو خط گام برداشت. نمیتوان این دو خط را بنام «اسلام» در یک خط ادغام کرد. اسلام لیرالی نمیخورد. لیرالها میخواهند

دوستان نادان‌شان را سرعقل بیاورند و آنها را به قبول اسلام، طرفدار سرمایه‌داری متقاعد سازند. واقعا هم برخی از این دوستان نادان، سرعقل آمده‌اند و اکنون زیر پرچم لیرالها سینه‌میزند و هر قدر انقلاب عینی‌تر شود، تعداد «دوستان» لیرالها از میان «نادانان» (یعنی واقعی کلمه) بیشتر خواهد شد. تا مسافانه نادانان و ناآگاهانی که فریب عوام‌فریبی‌ها و «جوسوازی‌های» لیرالها را میخورند، کم نیستند. اصولا هیچ نیروی مترجم و ضد انقلابی نیست که بدون جلب بخشی از عناصر ناآگاه بتواند یک حکومت انقلابی را بنا کند. در این باره برای برقرار سازد، لیرالها برای جلب ارتش سیاسی خود چند دست بکار شده‌اند و قدم بقدم برادیر فعالیت خود می‌افزایند. «جوسوازی» بر ضد مبارزان مسلمان و تخطئه تمام اقدامات انقلابی نهادهای انقلابی، به‌عنوان «آنگاه آید تلویزی» شده‌اند و در «دام تودم‌ایها» افتادند، ابزار کار آنهاست.

راه مبارز ما «جوسوازی» لیرالها، فحش دادن به حزب توده ایران نیست. باید با برخورد انقلابی دهن «جوسوازی» لیرال را بست، یعنی آنچه را که بسود انقلاب است، برپا کرد و روی بگریزیم. آن با فشاری کرد، صرف نظر از اینکه کدام سازمان سیاسی یا مردمی مبتکر و یا موافق آن است. بگذار لیرالها تا قیامت فریاد بزنند که این «دام حرف توده‌ایهاست». اگر نیروهای انقلابی از این تمهت لیرالها بترسند و حرفه‌های درست را بدلیل اینکه توده‌ها قیلا کتانه‌اند و یا اکنون میگویند و یا با آن موافقت، نزنند و بویژه در عمل اجرا نکنند، خواه ناخواه در دام «جوسوازی» لیرالها افتادند.

یکی از بهترین نشانه‌های انقلابی بودن آنست که انسان از تمهت دشمنان انقلاب ترسد و از مواضع اصولی خود پیگیرانه دفاع کند. حزب ما نه تنها در دوران حکومت محمدرضا، بلکه در همین دوران پس از انقلاب نیز در معرض انواع تمهت‌ها و افتراها و ناسزاها و فشارها از هر سو قرار داشته است. ما توئیستهای امریکائی و چینیان ما را به «دنیاهوری» از «آخوند» متهم کرده‌اند، «ملیون» رهبران حزب ما را «آیت‌الله» خوانده‌اند، لیرالها ما را وابسته به «دربار قدرتش روس» و تفریق و ما را «کافر» و ملحد نامیده‌اند و... هیچ حزبی، هیچ سازمان سیاسی، در طول تاریخ ایران، زیر این همه فشار و تمهت و ناسزا و افترا قرار نگرفته است. اما ما به راه خود ادامه داده‌ایم، از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام‌خسینی پشتیبانی کرده‌ایم. از دوستی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای سوسیالیستی دوست انقلاب ایران در برابر حملات پیروان خط پرژینسکی دفاع کرده‌ایم، با استواری در موضع دفاع از جهان‌شمولی علمی و انقلابی خود در برابر حملات تفریق‌گرایان و این خط اصولی انقلابی ما بی‌سود دوستان و دشمنان بیشتری برای ما در دو سوی مرز فاصل انقلاب و ضد انقلاب فراهم کرده است. این نیز قانونمند و طبیعی است. اگر ما از ترس آنکه ما را وابسته به «دربار قدرتش روس» بخوانند، از گفتن حقایق

لئونید برژف...

شده بود، شرکت کردند و نظرات و پیشنهادها تکمیلی خود را در جهت حک و اصلاح این سند مطرح ساختند، که بر شکستجوی غنی‌تری به آن بخشیدند. «وظیفه لئونید برژف گفت: «وظیفه عملی که در طرح برنامه پنجاهه گنجانده شده است، بالابردن سطح رفاه و آسایش مردم شوروی است. طری این برنامه، که یازدهمین برنامه پنجاهه اتحاد شوروی خواهد بود، درآمد ملی باید ۴۶ الی ۴۸ درصد و سطح تولیدات کشاورزی ۱۲ الی ۱۶ درصد افزایش یابد. در این برنامه اهمیت خاصی به رشد صنایع سنگین و درجه اول به رشد صنایع مواد سوخت و انرژی و تسریع آهنگ رشد اقتصاد داده شده است. در برنامه پنجاهه یازدهم و دوازدهم بهره‌برداری از منابع نفت و گاز سیبری غربی و انتقال آن به بخش اروپائی کشور، مهم‌ترین وظایف این برنامه‌ها در زمینه تسامین انرژی خواهد بود.

در برنامه پنجاهه یازدهم و بیست و سه ساله دهه ۸۰، اتحالی سطح رفاه و آسایش مردم در تمام زمینه‌ها: مصرف، مسکن، فرهنگ، استراحت، شرایط کار و زندگی ادامه خواهد یافت. میزان حداقل حقوق بلژنستکی کارگران و کارمندان و اعضای شرکتهای تعاونی روستائی بالا خواهد رفت و همچنین اقدامات دیگری در زمینه بهبود بازدهی بیشتر تأمین اجتماعی مردم انجام خواهد گرفت. کمک دولت به خانواده‌های کثیرالاولاد افزایش خواهد یافت. اتحالی سطح زندگی زحمتکشان، علاوه بر افزایش درآمدی آنان، از طریق بهبود تجهیزات مدرن ارباق و همچنین کالاهای صنعتی مصرفی انجام میگردد. برای تأمین این مقصود، برنامه مخصوصی تنظیم شده است که طبق آن تولید مسواک کشاورزی به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت و میان بخش کشاورزی و بخشهای تکانه‌داری محصولات، صنایع تبدیلی و شبکه فروش، ارتباط نزدیکی بوجود خواهد آمد. هدف از این اقدامات آنست که بتوان در کوتاه‌ترین مدت مسئله تأمین اهالی از حیث انواع مواد غذایی را حل کرد.

درباره سیاست اصولی و انقلابی اتحاد شوروی هرگز نمی‌گردد، ناگزیر راه را برای پیشرفت خط پرژینسکی هموار می‌سازیم، اگر ما از ترس اینکه حزب ما را حزب «آیت‌الله‌ها» بخوانند، از پشتیبانی از خط امام‌خسینی سر باز می‌زنیم، ناگزیر در صف ضد انقلابیون رنجبری و بی‌کارتی و کومه و... قرار می‌گیریم و... در نتیجه به انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی، به جمهوری اسلامی ایران و به منافع زحمتکشان ملطمه می‌زنیم. ما این کار را نکرده‌ایم و نخواهیم کرد.

ما توصیه میکنیم که مبارزان مسلمان نیز از تمهت لیرالها، که میگویند آنان در دام توده‌ایها افتادند، ترسند و برام خود در خدمت به خلق و انقلاب ادامه دهند و به حزب ما نیز، برای تیره‌تر خوش، در برابر کسانی که آنها را دوستان نادان می‌نامند، ناسزا نگویند.

شرکتهای تعاونی و موسسات دولتی کشاورزی همچنان بعنوان اساس کشاورزی سوسیالیستی باقی می‌ماند، ولی این بدان معنا نیست که میتوان امکانات اقتصاد خصوصی جنبی روستائی را نادیده گرفت. تجربه نشان میدهد که این اقتصاد میتواند در تولید شیر و گوشت و برخی از سایر محصولات غذایی نقش داشته باشد. باغها، جایزه‌ها، طوب و دامهای متعلق به زحمتکشان جزئی از ثروت عمومی کشورند.

لئونید برژف گفت: «کمیت مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصویب نامه‌ای در خصوص اقدامات دیگری که برای بسط و توسعه اقتصادهای خصوصی جنبی لازم است، صادر کرد. هدف از این تصویب نامه ایجاد شرایط مادی و معنوی ضروری برای توسعه کردن شهروندان در اداره اقتصادهای خصوصی جنبی و در درجه اول دام‌پروری و مرغداری است. اقتصادهای جنبی متعلق به موسسات صنعتی نیز، طبق این تصویب نامه، از کمک‌ها چانه برخوردار میشوند.

لئونید برژف افزود: «جامعه شوروی، جامعه کار است. حزب کمونیست و دولت شوروی کوشیده و میکوشد تا کار انسانی که تنها برپیره، بلکه همچنین بر مضنون، جالب و خلاق باشد و کسار طاقت‌فرسا و سنگین و کسار جسمانی و بدون تضمین ازین برده شود، درحاضر حاضر میلیونها نفر از مردم ما به‌کار با این بدصورت متفرقند. حل مسئله کار و تولید است اهمیت اقتصادی ندارد، بلکه همچنین یک مسئله جدی اجتماعی و بمعنی بر طرف کردن موانع عمده از سر راه تبدیل کار به بهترین نیز حیاتی انسانیت است.

لئونید برژف سپس به بحث درباره دموکراسی سوسیالیستی و بسط دموکراسی آن از طریق شوراهای پرداخت و گفت: «نقش شوراهای مردم آهنگ کردن و نظارت بر کار موسسات و سازمانهای واقع در قلمرو فعالیت آنان بیش از پیش افزایش می‌یابد و کمیت مرکزی حزب فعالیت شوراهای از هر حیث در همین جهت تأید میکند.

لئونید برژف گفت: «تکمیل قوانین شوروی درباره قانون اساسی جدید از مفید زیادی داشته و امکان داده‌است که بتوان جوانب مختلف مناسبات اجتماعی را بر پایه قوانین جدید دقیق تنظیم کرد. تکمیل قوانین همچنان ادامه خواهد یافت و سه سمت عمده، یعنی رهبری اقتصاد ملی، تأمین حقوق قانونی شهروندان و سازمانهای اجتماعی مطرح در قانون اساسی و تدوین مجموعه قوانین مدنی اتحاد شوروی را دربر خواهد گرفت.

لئونید برژف افزود: «ماهیت و مقصود واقعی دموکراسی شوروی در ذینفع بودن افراد در کار مشترک و بسط و توسعه تولید، اشتراک نظر و عقیده و همچنین اتقوا اتحاد خود با اصولیت و صداقت و ارتقاء سطح فعالیت اجتماعی و سیاسی تمام شهروندان خلاصه میشود.

لئونید برژف سپس به بحث درباره شمار اعضای حزب و ترکیب آن پرداخت و گفت:

«در فاصله بین دو کنگره ما ۱۷ میلیون بر تعداد اعضای حزب افزوده شده است، اکنون ۱۷ میلیون و ۴۸۰ هزار نفر در حزب کمونیست عضویت دارند، که از این عده ۴۴۶ درصد کارگر، ۱۴۳۸ درصد روستائیان عضو تعاونیهای کشاورزی، ۴۴۸ درصد روشنفکران فنی، علمی، هنری و کارکنان فرهنگ و بهداشتی، سازمانهای کسوری و لشکری هستند.

لئونید برژف در گزارش خود به یک مسئله مهم دیگر، یعنی لزوم توسعه خلاق شوروی، در کمیت - لتینیم اشاره کرد و گفت:

«اگر حزب مارکسیست-لنینیست به درک تمام پدیده‌ها و نتیجه‌گیری جامع از رویدادها و تکامل خلاق کوری مارکسیسم-لنینیسم توجه لازم را ننماید، نمی‌تواند نقش خود را انجام دهد. ما هواره این وظیفه پس می‌بهران در نظر داشته‌ایم و برای انجام آن در این مدت کوشیده‌ایم. گنجینه کوریک حزب پس از کنگره یستونینچ، با یک سلسله از اینگونه نتیجه‌گیری‌ها غنی گردید، که در میان آنها باید در درجه اول از ترمین سوسیالیسم تکامل یافته نام برد. حزب بر پایه این کوری، استراتژی و تاکتیک خود را برای یک مرحله طولانی تاریخی تعیین کرده.

لئونید برژف سپس مسئله لزوم تدوین برنامه تازه‌ای برای حزب را مطرح ساخت و اظهار داشت: «هر چند در این برنامه، که در حال حاضر در دست اجرا داریم، قانونمندیهای پیشرفت اجتماعی در همه‌جانبه‌ها درستی انعکاس یافته، اما بیست سال از زمان تصویب آن میگذرد. در برنامه جدید باید تغییراتی که در ساختار اقتصادی مالدی داده‌است و وظایف درازمدتی که در پیش داریم، انعکاس یابد، بدین است که ما در تدوین برنامه باید از رهنمود لنینیستی کتب که برنامه فکشنال اصول اساسی است و پیشگویی جزئیات در برنامه نیایند و بی‌جاست. بدین ترتیب ظاهرا لازم است در برنامه حزب موادی تغییر یابد و یا تکمیل شود. اگر این پیشنهاد مورد تصویب نمایندگان کنگره قرار گیرد، میتوان به کمیت مرکزی ماموریت داد که متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را آماده کند.

لئونید برژف در بیان گزارش خود گفت: «قرن بیستم نسبت به قرن پیش تحولات بزرگتری به همراه آورده است و هیچ کشوری مانند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، زادگاه انقلاب اکبر و نخستین کشور سوسیالیسم پیروز، در این تحولات سهم نیوده‌است.

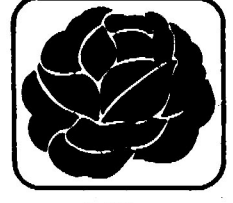
لئونید برژف افزود: «مردم شوروی با اطمینان به آینده خود می‌نگرند، ولی این اطمینان غرورآلود و زورورگان سرنوشته نیست. ملت ما میدانند که آنچه دارند، ثمره کار و کوشش خود است. خوشبختی ما از ایمان ما به نیروی کار، از ایمان ما به نیروی همین مردم خوش سرچشمه میگیرد. خوشبختی ما از ایمان ما به حزب خودمان سرچشمه میگیرد، زیرا میدانیم که حزب یگانه راه درست را نشان میدهد.

پایان

هر چه زودتر از نابودی مدارک و اسناد جمع - آوری شد مساواک شیراز جلوگیری کنید!

هرچیزودتر از نابودی مدارک و اسناد جمع آوری شده مساواک شیراز، که اینک برپستبام کمیته امداد این شهرستان در معرض خطر است، باید جلوگیری کرد. طبق اطلاعات رسیده، مدارک و اسناد جمع آوری شده مساواک شهرستان شیراز، اینک برپستبام کمیته امداد (کاخ پذیرائی - استانداری سابق) در معرض برب و باران و نابودی است. ما از مقامات مسئول مسرانه می‌طلبیم که هرچه زودتر از نابودی این مدارک مهم جلوگیری کنند، که ازین رفتن آنها، به نفع ضد انقلاب و مساواکیها است.

تقویم سال نو



۱۳۶۰ منتشر شد

نامه مَروم

انگن مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزاتی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM	
No. 464	
10 March 1981	
Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند.
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹، منطقه ۱۴ پستی تهران



پیگرد مخالفان جنگ در آمریکا

شرکت کنندگان در جنبش مخالفت با جنگ مورد تعقیب مقامات دولتی آمریکا قرار میگیرند. در دادگاه شهر «نوریس تاون» در ایالت پنسیلوانیا، هشت تن از شرکت کنندگان در این جنبش به علت مخالفت با سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی دولت آمریکا مجرم شناخته شدند و در انتظار صدور حکم دادگاه مبنی بر محکومیت خود در زندان بسر میبرند. هواداران جنبش مخالفان جنگ در سال گذشته (سیسی) به عنوان اعتراض علیه سیاست دولت، یک کارخانه نظامی متعلق به لندن جنرال الکتریک، را که کلاهک موشکهای اتمی تولید میکند، اشغال کردند.

کشف توطئه «سیاه» در دومینیک

طبق گزارش خبرگزاری «پولسا لیتا» مقامات رسمی دولت جدید دومینیک اعلام کردند که یک توطئه ضد دولتی، که از جانب سازمان جاسوسی آمریکا «سیاه» سازمان یافته بود، کشف شده است. در اعلامیه نخستوزیری دومینیک خاطر نشان شده است که پاتریک جان، نخستوزیر سابق و فردیک ویلسون فرمانده نیروهای مسلح، عاملین اصلی این توطئه، که دستگیر شده‌اند، قصد کودتا علیه دولت قانونی کشور را داشته‌اند. این دو نفر در یکی از جزایر مجاور دومینیک یا ماموران صیای آمریکا تماسهایی برقرار کرده بودند و برنامه کودتا را با همکاری ماموران صیای طرح ریزی کرده‌اند. در این اعلامیه آمده است که اعتبارات مالی و کمکهای تسلیحاتی توطئه گران از جانب آمریکا تأمین شده است.

شمار بیکاران در انگلستان به ۲ میلیون و پانصد هزار نفر رسیده است

طبق آمار رسمی، در انگلستان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر از اهالی فاضل کشور بیکار هستند. دولت محافظه کار انگلستان، بجای اقدام در جهت بهبود این وضع، تصمیم گرفته است که طبق آمار رسمی، در انگلستان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر از اهالی فاضل کشور بیکار هستند. دولت محافظه کار انگلستان، بجای اقدام در جهت بهبود این وضع، تصمیم گرفته است که

«رقابت دو ابر قدرت» - ساخت زرادخانه مائوئیستی است

خالد بکتاش، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، در راس هیئت نمایندگانی این حزب در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت کرد. طوسی سخنرانی خود در کنفرانس اظهار داشت: دستگاه تبلیغاتی یکنواختی دارد که در توجیه سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی امریالیست آمریکا و سیاست توسعه طلبانه خود، مبارزه میان دو جهان سوسیالیسم و سرمایه داری را «رقابت» میان دو ابر قدرت آمریکا و شوروی وانمود کند. متأسفانه در کشورهای هم که از پندهای نواستعاروی وابستگی به امریالیست رها می‌نمایند، از جانب محافل ارتجاعی این تفرقه تبلیغ میشود. خالد بکتاش گفت: «این اشتباه بزرگ و حتی جنایت است که تمام مبارزات طبقاتی و رها نشدن خلیقا در جهان، «رقابت» میان دو ابر قدرت و یا دو گروه بندی پرتاب هشت ماهواره به مدار زمین»

پرتاب هشت ماهواره به مدار زمین

در اتحاد شوروی، طبق برنامه های علمی و پژوهشی کیهانی، هشت ماهواره پرسپیکه بوشک از نوع «کاسموس» به فضا پرتاب شدند و در مدار زمین قرار گرفتند. این ماهوارهها در گردش خود در مدار زمین یک رشته پژوهشهای کیهانی انجام خواهند داد. از سال ۱۹۶۶ تاکنون متجاوز از ۱۲۰۰ ماهواره از این نوع به منظور پژوهشهای کیهانی به مدار زمین فرستاده شده‌اند.

یورش پلیس پاکستان به نیروهای دمکراتیک کشور

طبق گزارش خبرگزاری رویتر در پاکستان، یورش جدید ماموران پلیس کشور علیه مخالفان رژیم دیکتاتوری نظامی حاکم بر کشور آغاز گردیده و عدهای بازداشت شده‌اند. بانو قسرت پوتو، همسر نواز قاتر علی پوتو، نخستوزیر سابق پاکستان، از جمله بازداشت شدگان است. بانو قسرت پوتو رهبر حزب خلق است، که از جانب دولت غیرقانونی اعلام شده است. علاوه بر بانو قسرت پوتو، ۵۰ تن دیگر از اعضای این حزب و مطهر علی خان دبیرکل شورای طرفداران صلح پاکستان، بازداشت شده‌اند. در شهرهای لاهور، راولپندی و اسلام آباد، ماموران پلیس بسیاری از منازل اهالی شهر را مورد بازرسی قرار داده‌اند.

حمله نیروهای عراقی در جبهه ایلام دفع شد

یک اتیار مهمات و بیش از ده سنگر انفرادی، اجتماعتی ضمن و یک سنگر تیربار با خدمه آن را نابود سازند. روز شانزدهم اسفند سفروند از هواپیماهای متجاوز عراق که قصد تجاوز به خاک ما را داشتند بر اثر آتش پدافند هوایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران متواری شدند.

بینه از صحنه ۱ از نیروهای عراقی کشته شدند و در نفر از افراد ارتش عراق به اسارت درآمدند. همچنین در این روز نیروهای خودی در جبهه های آبادان به آتش نیروهای عراقی پاسخ دادند و با اجرای آتش هوپخانه و خمپارماننداز توانستند یک تانک، چهار خودرو، یک لودر،

دولاران ما همچنین در جبهه گرچه موفق شدند دو دستگاه تفریر، دو کامیون و بیش از ده سنگر دشمن را با خدمه آنها از بین ببرند. در جبهه خرمنشیر جانتلیقان نیروی دریایی به آتش دشمن پاسخ دادند و مواضع دشمن در قسمت اشغالی این شهر را زیر آتش سلاحهای خود قرار دادند که در نتیجه تعدادی از افراد ارتش صدام کشته و زخمی شدند.

خودداری از هرگونه انتصاب، تعین و درگیری در محیطهای کار است. مشکلات کار و زندگی کارگران دروضع فعلی می‌تواند و باید از راه مذاکره و شیوه‌های مسالمت طرح و حل گردد. امید است که کارگران واحدهائی که به انتصاب کشاننده شده‌اند، با همین برداشت به سرکارهای خود بازگردند. کارگران با ابراز هویشیاری طبقاتی، حیلۀ ضدانقلاب را، که می‌خواهد با استفاده از بنط دامنه امتصالیات توطئه جدید امریالیست جهانی، بسرکردگی آمریکا، را علیه انقلاب ایران به اجرا بگذارند. عقیق می‌گذارند.

نیروهای ژاندارمری در عملیات روز پانزدهم اسفندماه در یکراز جبهه‌های ایلام، ضمن دفع حمله و پیشروی نیروهای عراقی، ۵ نفر از نیروهای دشمن را کشتند و عدهای از آنها را نیز مجروح کردند. در این عملیات یوزمندان ژاندارمری موفق شدند چهارده سنگر اجتماعتی و انفرادی، دو سنگر تیربار دشمن را با خدمه مربوطه را منهدم کنند. ضمناً در عملیات روز ۱۵ اسفندماه در تماسی جبهه‌های تبریز چهارتن از دلوران نیروی زمینی و یک تن از نیروی دریایی بر اثر آتش دشمن به شهادت رسیدند. روز ۱۶ اسفند ماه نیز چهار نفر از افراد عراقی خود را به یکان ژاندارمری تبریز معرفی و تقاضای پناهندگی کردند.

طبیعی است که دولت انقلاب نیز نمی‌تواند فارغ از برداشت اصولی نسبت به عدم رضایت درین کارگران و زحمتکشانشان باشد. متأسفانه دست دولت در افزایش دستمزدها و پرداخت پاداش و سود سالیانه مکارگران مانند سالهای قبل، بسته است. اقدام به برخی محدودیتها در این زمینه برای قاطبه کارگران و زحمتکشانشان قابل درک است. اما دست دولت در جلوگیری از گرانی، پائین آوردن قیمتها و مهار کردن تورم بسته نیست. از راه تسریع در سهمیه بندی کالاهای اساسی، توزیع اجناس ضروری و میوه، با قیمت‌های ثابت، در محیطهای کار و نظایر این اقدامات، هم اکنون می‌توان قسمهای جدی برداشت. با تمرکز ذخایر کالائی در دست دولت، حتی میوه‌های نگاهداری شده در سردخانه‌ها، بسط توزیع دولتی، قانونی و خردفروشی، طرد تیراز بزرگ وابسته، عدم فروششان و محترکان از میادهو، خلاصه کلام، ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت موثر بر بازرگانی داخلی می‌توان و باید تسلیات جدی در زمینه است کارگران، زحمتکشانشان و همه مردم فراهم آورد. کارگران و زحمتکشانشان بوظیفه و مسئولیت انقلابی خود عمل می‌کنند و از توسل به خره‌های انتصاب، تعین و درگیری در محیطهای کار خودداری و با تمام نیرو جلوگیری می‌کنند. دولت نیز باید بوظیفه خود عمل کند و امر مهم مبارزه موثر و قاطع با گرانی و احتکار را جدی بگیرد.